

حمله نمادین مرگ‌های واقعی



طاهره پیروزش

مدیرعامل انجمن حمایت
از حقوق کودکان

براساس ماده ۲۸ پیمان‌نامه حقوق کودک، کشورهای عضو متعهد می‌شوند که هنگام مخاصمات مسلحانه، مقررات حقوق بین الملل بشردوستانه را محترم بشمارند و احترام به مقررات مذکور را تضمین کنند. براساس این ماده کشورهای عضو، طبق تعهدات ناشی از حقوق بین الملل بشردوستانه مربوطه حمایت از افراد غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه، باید تمام اقدامات امکان‌پذیر برای تضمین حمایت و مراقبت از کودکانی که به‌علت مخاصمات مسلحانه در معرض آسیب قرار می‌گیرند را به‌عمل آورند. طبق معاهدات بین‌المللی در جنگ‌ها هیچ‌یک از طرفین حق ندارند زندان‌ها را مورد هدف قرار دهند.

با همه این‌ها روز دوشنبه چهارم تیرماه ۱۴۰۴، زندان اوین مورد اصابت موشک‌ها و بمب‌های اسرائیل واقع شد. جنایتکاران اسرائیلی در ابتدا سر در زندان را می‌زنند و زمانی که همه کارکنان بخش اداری به‌دنبال سرپناه بیرون می‌آیند، آنان را هدف می‌گیرند. اغلب کارکنان بخش اداری، سربازان و کسانی که برای کارهای زندانیان مراجعه کرده بودند، شهید می‌شوند. با هدف قراردادن بهداری زندان، پزشک مستقر در بهداری نیز جانش را از دست می‌دهد. سالن ملاقات زندان نیز مورد اصابت موشک واقع می‌شود.

در این جهنم‌سرا، مسئولان زندان تصمیم می‌گیرند زندانیان را به زندان‌های دیگر منتقل کنند. ستاد بحرانی که بلافاصله وارد عمل شود، وجود ندارد، همچنین نیروهای هلال احمر تجهیزات کافی برای رسیدگی به وضعیت مصدومان زیر آوار ندارند. به گفته مسئول آتش‌نشانی، هیچ‌کس نیست که بگوید چند نفر زیر آوار هستند. او گفته است، به ما گفته‌اند پنج، شش نفر ولی ما تا الان ده‌ها نفر را از زیر آوار بیرون کشیده‌ایم. روز سوم یعنی چهارشنبه پنجم تیرماه، مدیر زندان و معاون قوه قضائیه برای بازدید از زندان می‌آیند، هنوز افراد زیادی زیر آوار هستند و خانواده‌های سرگردان و ماتم‌زده زیر چادرها، گرفتن اجساد بچه‌هایشان را انتظار می‌کشند. بوی ناشی از متلاشی شدن افراد زیر آوار، فضا را پر کرده است.

بالاخره پس از سه روز زیر آوار ماندن خبر دادند که دختر خاله نازنینم را پیدا کرده‌اند. از حلقه‌اش شناسایی شد ولی از فرزندش خبری نبود، همکاران مجروح گفته بودند که بعد از انفجار اول، سراسیمه دنبال بچه می‌گشته که مورد اصابت موشک دوم قرار می‌گیرد. زهرا عبادی، مددکار دلسوز زندان که همیشه برای بهبود وضعیت زندانیان تلاش می‌کرد، هفته قبل را مرخصی گرفته بود. مدیرش روز یکشنبه تماس می‌گیرد و می‌گوید، زندانی هم آدم است و باید بیایی. زهرا می‌گوید، مهدکودک تعطیل است و نمی‌دانم بچه‌ام را کجا بگذارم. روز دوشنبه سوم تیرماه با مهراد جان ما که تنها پنج شمع تولد را فوت کرده بود، به سر کار می‌رود. زندان هدف قرار می‌گیرد و وقتی بچه در سالن بازی می‌کند. مادر، نامه‌های زندانیان را می‌زند و انفجار رخ می‌دهد، مادر سراسیمه دنبال بچه می‌گردد و در انفجار دوم بدون اینکه کودک‌اش را در بغل بگیرد، دچار موج انفجار و آوار می‌شود. ساعت ۱۱:۳۰ دوشنبه کودک را در آغوش آقای رنجبر پیدا می‌کنند. آقای رنجبر، خودش یک کودک پنج ساله دارد. ممنون و سپاس آقای رنجبر که کودکمان را در آغوش کشیدی تا از جهان و جهانیان فقط وحشی‌گری و بمب در خاطرش نماند.

و کاش دنیا جای امن‌تری برای کودکان نبود. کاش زهرا اصرار مدیر را نداشت می‌گرفت و به‌خاطر شرایط جنگی سر کار نمی‌رفت و هزاران ای کاش دیگر.

مواردی که به نظر می‌رسد، باید هر چه زودتر مدنظر قرار گیرد:

۱ جنایتکاران کودک‌کش اسرائیلی که ادعا داشتند با مردم کاری ندارند، جان‌دها کودک، زن و مرد غیرنظامی را گرفته‌اند. شکایت از این اعمال جنایتکارانه در دادگاه‌های بین‌المللی باید در دستور کار حقوق‌دانان دولتی و نهادهای حقوقی غیردولتی قرار گیرد.

۲ تشکیل ستادهای مبارزه با بحران و آموزش همه مسئولان دولتی، ضرورت عاجل دارد. استفاده از ظرفیت و تجارب سازمان‌های غیردولتی و نهادهای مدنی برای همفکری و تصمیم‌گیری باید در دستور کار قرار گیرد.

۳ درنهایت به‌رسمیت شناختن حقوق و منافع مردم و اولویت منافع ملی، ممکن است مانع تکرار این جنایات شود.

۱۶

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



عکس: ایران

پی افکنند از نظم کاخی بلند

درباره مرتضی کاخی که در بی‌خبری و در بحبوحه جنگ چشم از جهان فرو بست



پیمان طالبی

روزنامه‌نگار

۱۰ روز از تیرماه گذشته و هر مز همایون‌پور خبر داده که دکتر مرتضی کاخی؛ شاعر، ادیب و پژوهشگر حوزه ادبیات، مدتی پیش - دقیق اگر بخواهم بگویم در خردادماه - از دنیا رفته است. از این غم‌انگیزتر هم می‌شود؟ چه کسی فکر می‌کرد آخر کار دکتر کاخی، این‌طور شود که در سکوت خبری و در هیاهوی بمب، موشک و هراس عمومی، از دنیا برود؟ کاخی درواقع صاحب یکی از ذوق‌های سلیم در شعر فارسی بود. دانش ادبی او و احاطه‌اش بر گنجینه شعر فارسی از دویون شاعران کهن گرفته تا دفاتر شاعران هم‌روزگار، سبب شده بود در به‌گزینی اشعار و شناخت شعر خوب از بد، یکی از سرآمدان یک‌قرن اخیر باشد. بسیاری از علاقه‌مندان شعر فارسی معاصر به‌خصوص شاعرانی تازه‌کار که قدم در این راه گذاشته‌اند، در نخستین گام برای خواندن درست شعر معاصر، به کتاب ارجمند و بسیار مهم او «روشن‌تر از خاموشی» مراجعه کرده‌اند و تاکنون نیز می‌کنند. از میان گردآوری‌های او، این‌یکی بیش از دیگران درخشید و بار شعر فارسی آمد. گزینش عالمانه او از شاعران معاصر، که با برخی از آنها نیز از نزدیک یار و هم‌پایه بود، سبب شد که «روشن‌تر از خاموشی» تا سال‌ها کتاب بالینی خیلی از دلدادگان شعر معاصر فارسی باشد.

▼ به‌گزینی یک ذوق سلیم

کاخی می‌گفت: «اگر بگویم سال‌ها کم گفته‌ام، بلکه باید بگویم به تقریب عمری است، یعنی از اوان نوجوانی خود تا همین روزها، که اندیشه فراهم آوردن گزینهای از بهترین و ماندگارترین شعرهای فارسی، کم‌وبیش روزی نبوده است که در ذهن و حافظه من حضور نداشته باشد». «روشن‌تر از خاموشی» نمونه خوبی بود برای اینکه این شوق و همت را در کارنامه کاخی ببینیم. اما او به‌همین حد بسنده نکرد و آتشی که برای جمع‌آوری آثار گزیده در او بود، به همین یک کتاب فرو ننشست. همین هم شد که او افزون بر «روشن‌تر از خاموشی»، آثار دیگری را نیز از گنجینه شعر و ادب فارسی گزینش کرد. در همین زمینه آثار مهم دیگری هم از کاخی هست که شاید به اندازه «روشن‌تر از خاموشی» شهرت کسب نکرده باشند اما آن نگاه تیزبین، دقیق و دانش‌مدارانه دکتر کاخی را در تمام آنها می‌توان دید. او در «این کوزه گر دهر» گزیده‌ای از رباعی‌های شاخص تاریخ شعر فارسی را انتخاب کرد و به انتشار رسانید و این گزینش آن قدر دقیق بود که می‌توان ادعا کرد اگر کسی آن کتاب را خوانده باشد، به بخش زیادی از تاریخ رباعی و رباعی‌سرایی در شعر فارسی احاطه یافته است. کتاب دیگر، «قدر مجموعه گل» است که شاید در این‌یکی می‌توان اوج ذوق سلیم کاخی را دید. جایی که او قرار بود گزیده‌ای از غزل فارسی را از آغاز تا امروز گردآوری کند؛ قالبی که در تاریخ شعر فارسی، بیش از هر قالب دیگر به آن اقبال شده است و لاجرم تعداد سروده‌های شاعران در این قالب از شماره فزون است. اما کاخی در یک مجال ۳۵۰ صفحه‌ای، به دقیق‌ترین شکل ممکن، بهترین‌ها را برگزید و به جرأت می‌توان گفت که شعری را از قلم نیانداخت.

▼ دل‌داده اخوان ثالث

دکتر کاخی، سال‌ها یار و دل‌داده مهدی اخوان ثالث، شاعر نامدار خراسانی بود. خود را در شعر، پیرو اخوان و شاملو می‌دانست و از این‌دو، به شهادت آثار و گفت‌وگوهایش، بیشتر به اخوان علاقه داشت. در همین زمینه نیز، آن ذوق عالمانه کارستانی کرده است با کتاب شکوهمند «سر کوه بلند» که گزیده‌ای است از شعرهای اخوان ثالث به انتخاب کاخی که بنا به گفته خود، او، به سفارش و تاکید زردشت اخوان ثالث (فرزند اخوان) تدوین و منتشر شد. از این گذشته، چنان که می‌دانیم، مجموعه مقالات اخوان ثالث با عنوان «حريم سايه‌هاى سبز»، در دو مجلد زیر نظر دکتر کاخی آماده شد. با کتاب دیگری که شامل

گفت‌وگوهای اخوان بود و «صدای حیرت‌بیدار» نام داشت و کاخی بر تدوین و انتشار آن نظارت کرد. کاخی همچنین یادنامه‌ای برای اخوان ثالث ترتیب داد که می‌توان ادعا کرد، یکی از نمونه‌های مثال‌زدنی در تاریخ ازج‌نامه‌ها و جشن‌نامه‌های فارسی است. نام کتاب را گذاشت «باغ بی‌برگی» و سراغ همه دوستان اخوان رفت و ازشان خواست تا برای او بنویسند. محمدعلی اسلامی‌ندوشن، ایرج افشار، منوچهر آتشی، رضا براهنی، عماد خراسانی، منصور اوجی، اسماعیل خوبی، نجف دریابندری، عباس زیاب‌خویی، محمد رضا شفیعی کدکنی... تنها بخشی از این نام‌های بزرگاند. زمانی که قرار شد این کتاب چاپ شود، ۱۱ موسسه انتشاراتی خصوصی در ایران، انتشاراتی تاسیس کردند به‌نام «نشر ناشران» و همه باهم این کتاب را به چاپ رساندند و بعد هم این موسسه را تعطیل کردند. این اتفاق، پدیده‌ای بی‌سابقه در تاریخ انتشار کتاب در ایران بود.

رابطه دکتر کاخی با اخوان ثالث را نمی‌توان با یکی، دو یادداشت این‌چنینی شرح و بسط داد؛ هزار نکته با ریک‌تر می‌آیند. کاخی به‌علت سواد بالایش در شعر، در خوانش و دکلاماسیون نیز بسیار چیره‌دست بود. خودش نقل کرده که یک‌بار در مجلسی اخوان خواسته شعر «سبز» را بخواند و از بر نداشته. کاخی که در آن مجلس بوده، به اخوان گفته، من این شعر را در حافظه دارم، اگر می‌خواهید من بخوانم. بعد از اینکه خواندن شعر به پایان می‌رسد، اخوان که از خوانش کاخی سر ذوق آمده بود، رومی کند به جمع و می‌گوید: «هیچ‌کس جز کاخی اجازه ندارد این شعر را بخواند!»

▼ گفت‌وگوی شاعران با کاخی

بگذارید یادی هم بکنم از یکی از مهم‌ترین کتاب‌ها در تاریخ شفاهی شعر معاصر، که این نیز محصول همت و خرد همین دکتر کاخی است. کتابی کم‌نظیر به نام «گفت‌وگوی شاعران» که شرح مکتوب دو مجلس گعده و گفت‌وگو میان پنج شاعر بزرگ معاصر (اخوان ثالث، شاملو، فروغ، سهراب و م. آزاد) است. گفت‌وگوها را لعل تیکو پایهریزی کرد و ترجمه، ویرایش و تنظیم‌شان کار دکتر کاخی بود. آن کتاب، راه مهمی را در شناخت شاعران بزرگ روزگار ما باز کرد و عقاید و تفکرات این بزرگان را صریح و بی‌پرده در پیشگاه خواننده شعر امروز گذاشت. شرح گفت‌وگوهای بزرگان شعر معاصر درباره جریان‌های مختلف ادبی و ایده‌های مختلف آنها درباره شعر امروز، چیزی‌ورای شعر آنها ارائه می‌داد. آنها در حقیقت با طر ح ایده‌های خود و بحث‌های چالشی پیرامون نظریات مختلف‌شان درباره شعر فارسی، کارنامه ادبی و شعری خود را نیز توضیح می‌دادند. از این منظر است که کتاب ارجمند «گفت‌وگوی شاعران» را باید به‌عنوان یکی از آثار مهم در حوزه شناخت شعر معاصر فارسی دانست. مخاطب شعر فارسی برای این منظور، بیش از هرکس مدیون و مرهون دکتر مرتضی کاخی است.

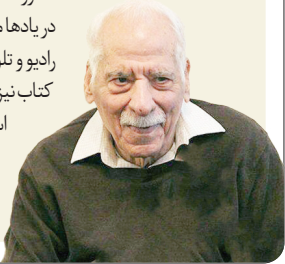
▼ منهای شعر و ادبیات

کاخی افزون بر جایگاه ادبی‌اش، مدرک دکترای حقوق قضایی نیز داشت و پیش از آن که به‌عنوان یک شاعر، پژوهشگر و ادیب شناخته شود، سال‌ها در خارج از ایران در سفارتخانه کار می‌کرد. جالب است بدانید که همین دکتر کاخی است که متن «قرارداد شط‌العرب» را نوشته است؛ همان قراردادی که صدام آن را پاره کرده و پس از آن به ایران حمله کرد. چنان که در تاریخ آمده، گویا دکتر کاخی در دوره‌ای زحماتی نیز برای بازپس‌گیری جزایر سه‌گانه ایران کشیده است. کاخی ۲۲ سال از عمرش را به این کارها گذراند و بعد از اتمام ماموریت‌اش به ایران بازگشت. افزون بر همه این‌ها، دکتر کاخی در دوران جنگ ایران و عراق مشاور عالی سیاسی بود، اما درنهایت ترجیح داد که دیگر بازنشسته شود و به کارهای فرهنگی و ادبی که از ابتدا شوق آن را در سر داشت، بپردازد. امروز و بعد از واقعه‌ای که بر او گذشته و با دانستن آن کارنامه‌پر بار، می‌فهمیم نقش و ارزش و اهمیت دکتر کاخی را. به‌قول سهراب، اگر او نبود دست مادر پی چیزی می‌گذشت، روحش شاد.

چهره

شجره‌نامه ورزش ایران را می‌دانست

اولین گزارشگر زنده تاریخ ورزش ایران بود که آنقدر به کارش تسلط داشت و به گزارش کردن علاقه‌مند بود که می‌توانست به حافظه‌اش مراجعه کند و بگوید در کدام سال و کدام بازی، چه بازیکنی، در چه دقیقه‌ای گل زده است. این‌ها را درباره عطالله بهمنش می‌گویند. کسی که نه فقط فوتبال را می‌شناخت که شجرنامه ورزشکاران رشته‌های دیگر را هم داشت. مثلاً عده‌ای معتقدند هنوز روی دست‌اش، گزارشگری در رشته کشتی نیامده است. بهمنش در سال ۱۳۰۲ در کرمانشاه متولد شد، کارش را در سال ۱۳۳۰ و با مجله ورزشی «نیرو و راستی» شروع کرد و به‌تدریج به یکی از بهترین روزنامه‌نگاران و نویسندگان ورزشی کشور تبدیل شد. بهمنش خودش ورزشکار بود. دوره‌ای دو میدانی کار می‌کرد، مدتی دفاع‌راست تیم بانک ملی بود و دستی هم در رشته‌های تنیس و کوهنوردی داشت. باین همه کشتی را بیش از همه این‌ها دوست داشت. هنوز که هنوز است گزارش‌های حیرت‌انگیز او از کشتی در یادها مانده است. بهمنش بعد از انقلاب از رادیو و تلویزیون کنار گذاشته شد. او چندین کتاب نیز درباره ورزش به‌خصوص فوتبال نوشته است. این گزارشگر و مفسر باسابقه ورزشی، یازدهم تیرماه ۱۳۹۶ به‌دلیل عارضه‌سکته مغزی درگذشت.



کتابخانه

چه باشد ایرانشهر؟

ایرانشهر نام رسمی سرزمین ایران در روزگار شاهنشاهی ساسانی مابین قرون سوم و هفتم میلادی بود و این مفهوم در دوران ساسانیان به واحدی جغرافیایی - فرهنگی تبدیل شد و معنایی فراقومی به خود گرفت. بدین‌ترتیب ساسانیان وقتی از ایرانشهر سخن می‌گفتند، مرادشان سرزمین ایرانیان بود. شناخت این مفهوم، دلالت‌ها، کاربردها، بازتاب‌ها، تحولات معنایی و سیر تطور تاریخی آن اما از مهمترین زمینه‌های پژوهشی محققان به‌خصوص در دهه‌های اخیر بوده است. توجز دریایی هم در این زمینه نوشته‌های ارزنده‌ای دارد. کتاب «ایرانشهر» شامل ۲۱ مقاله است که دریایی، درباره تاریخ و تمدن ساسانی نوشته است. از نظر دریایی، در اوایل دوره ساسانی، منظور از ایرانی، یک زرتشتی ایرانی‌زبان بود، اما در قرن ششم میلادی ایرانی‌بودن، داشتن فرهنگ ایرانی و آداب و رسوم ایرانی بود. مانند جشن گرفتن نوروز و مهرگان، پوشیدن لباس و خوردن و نوشیدن مانند ایرانیان، که این مهم تحقق یافت و همچنین نیز همراه ماست.



نام کتاب: ایرانشهر

نویسنده:

توجز دریایی

ترجمه: مهناز بابایی

انتشارات:

نشر ققنوس

تاریخ

اتحاد دو ویتنام



بعد از خارج شدن فرانسوی‌ها از ویتنام در سال ۱۹۵۴، این کشور به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شد. در ادامه اما رابطه این دو قسمت به جنگی گسترده انجامید.

آمریکا از جنوبی‌ها و شوروی از شمالی‌ها حمایت می‌کردند و بدین‌ترتیب در جنگی که بیش از یک‌دهه به طول انجامید و در سال ۱۹۷۳ به پایان رسید، صدها هزار نفر از مردم غیرنظامی ویتنام کشته شدند. درنهایت و پس از خروج آمریکا، دولت ویتنام جنوبی، در ۱۹۷۵، سرنگون شد و ملت ویتنام پس از چندصدسال مبارزه با چینی‌ها، فرانسوی‌ها، ژاپنی‌ها و آمریکایی‌ها سرانجام از بند استعمار آزاد شد. بعد از این مردم ویتنام اتحاد دو قسمت را خواستار شدند. در این زمان برنامه بازسازی ارتش و نظام اداری در اولویت قرار گرفت، سپس در جریان کنفرانس اتحاد دو ویتنام در نوامبر ۱۹۷۵ تصمیم گرفته شد تا ویتنام جنوبی و شمالی در هم ادغام شوند. سرانجام در دوم ژوئیه ۱۹۷۶، ویتنام شمالی و جنوبی پس از بیش از دو دهه جدایی، اتحاد خود را عنوان کردند و استقرار رژیم جمهوری سوسیالیستی ویتنام به پایتختی هانوی اعلام شد.